نگاه

طنز تلخ تسهیلات

زهره‌قلیچی

تسهیلات یا وام آن‌طور که در تعارف آمده عبارت است از: «برنامه رسمی کمک مالی که توسط یک بانک و مؤسسه مالی و اعتباری برای کمک به شرکتی که به سرمایه در گردش نیاز دارد، ارائه می‌شود. انواع تسهیلات شامل خدمات اضافه برداشت، برنامه‌های وصول مطالبات معوق، خط اعتباری، اعتبار در گردش، وام‌های مدت‌دار و اعتبارنامه است. تسهیلات در اصل نام دیگر وام است. برای استعلام تسهیلات آنلاین افراد حقیقی و حقوقی و کسب‌وکارهای بزرگ و کوچک می‌توانند از طریق آژانس‌های اعتبارسنجی اقدام کنند. این آژانس‌های اعتبارسنجی علاوه بر رتبه‌بندی مالی و اعتباری خدمات دیگری همچون استعلام معوقات بانکی و استعلام بانکی آنلاین ارائه می‌دهند».

این تعریف همان چیزی است که البته برگرفته از تعارف مالی در سطح کلان به منظور کمک به مؤسسات و شرکت‌های اقتصادی است. اما چیزی شبیه همین تعریف، شاید کمی سهل‌تر درباره وام‌هایی که به اشخاص داده می‌شود تا به روند زندگی آنها کمک شود، وجود دارد. به‌هرحال از نظر اقتصادی و تعاریف مالی، وام یا تسهیلات در اصل «توافق‌نامه‌ای بین یک شرکت یا فرد و یک وام‌دهنده دولتی یا خصوصی است که بعد از اعتبارسنجی بانکی به وام‌گیرنده اجازه می‌دهد مبلغ خاصی از پول را برای اهداف مختلف برای مدت‌زمانی کوتاه وام بگیرد». در حالت عمومی این تسهیلات غیر از مواردی که برای افزایش سرمایه و توسعه در شرکت‌ها به کار می‌رود، برای موارد خاص نیز هست. به عنوان نمونه، گاهی تسهیلات به‌ویژه برای شرکت‌هایی است که می‌خواهند از اخراج کارگران و کارمندان خود یا کندشدن رشد یا تعطیل‌شدن دوره‌های فروش فصلی هنگام کمبود درآمد جلوگیری کنند. درباره افراد هم همین است. تسهیلات و وام در مواردی اخذ می‌شود که قرار است مشکلی از مشکلات آنها رفع شود. به‌طور خیلی ویژه یکی از وام‌هایی که اشخاص حقیقی دریافت می‌کنند، وام مسکن است.

هزینه مسکن به جد افزایش یافته و خانوارهای ایرانی در تلاش هستند تا بتوانند با فروش طلا و اخذ وام، یک آپارتمان نقلی بخرند و با دادن قسط به‌جای اجاره، کمی در زندگی روزمره نفس بکشند. اما گاه همین تسهیلات وام‌ها انگار که خودش به طنز تلخی می‌ماند که مشکلات را از پس پرده بیرون می‌اندازد.

یک خبر و یک نظر

همین چند روز پیش، محمدباقر قالیباف در همایش سراسری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از کم‌کاری در زمینه خانه‌دارشدن مردم حرف زد و از زمان طولانی و ۸۰ساله که مردم باید منتظر بمانند تا خانه‌دار شوند گفت. اما از سوی دیگر، بسیاری بر این اعتقادند که باید با تخصیص وام‌هایی، مردم را به سمت خرید یا ساخت مسکن ترغیب کرد تا هم بازار ازنفس‌افتاده مسکن سامان یابد، هم انگیزه برای سازندگان بیشتر شود و رونق به بازار برگردد. روز سه‌شنبه نیز خبری به نقل از عباس صوفی، نماینده فامنین و همدان و عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در رسانه‌ها منتشر شد. او درباره مشکلات مرتبط با وام مسکن شهری و ابلاغ‌نشدن آن از سوی بانک مرکزی گفته بود: با وجود تصویب آیین‌نامه وام ۸۰۰ میلیون تومانی ساخت مسکن شهری توسط شورای عالی مسکن و ابلاغ آن به بانک مرکزی، هنوز این وام به بانک‌های عامل ابلاغ نشده است. از چهار ماه گذشته که این آیین‌نامه به تصویب رسیده، بانک‌ها به تعهدات خود عمل نکرده‌اند و مردم همچنان با مراجعه به بانک‌ها با همان مبلغ وام قبلی یعنی ۵۵۰ میلیون تومان مواجه می‌شوند. صوفی بر این موضوع نیز تاکید کرد که عدم اجرای این طرح باعث شده تا فرصت مناسب برای ساخت‌وساز در بسیاری از استان‌ها از دست برود و عملا مردم در سال جاری به این وام دسترسی پیدا نکنند. دلیل این عدم اجرای طرح باید توسط بانک مرکزی و وزارت راه و شهرسازی اعلام شود و کمیسیون عمران نیز به‌طور جدی این موضوع را پیگیری خواهد کرد. او همچنین به مشکلات پرداخت وام‌های دیگر ازجمله وام ودیعه مسکن و وام ازدواج اشاره کرد و گفت: ما انتظار داریم که بانک مرکزی نظارت قوی‌تری بر عملکرد بانک‌ها در زمینه پرداخت وام‌ها داشته باشد. متأسفانه درحال‌حاضر بسیاری از بانک‌ها به تعهدات خود در این زمینه عمل نمی‌کنند و این امر موجب سردرگمی و نگرانی مردم به‌ویژه جوانان شده است.

این نماینده مجلس تصریح کرد که علاوه بر وام مسکن و ازدواج، پرداخت تسهیلات ودیعه مسکن نیز با مشکلاتی همراه است و افرادی که برای دریافت این وام‌ها به بانک‌ها مراجعه می‌کنند با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند. با وجود وعده‌های مکرر مسئولان، هنوز در این زمینه شاهد اقدامات عملی و مؤثری نیستیم و فقط شاهد وعده‌های بدون اجرا از سوی مسئولان بانک مرکزی و وزارت اقتصاد هستیم. صوفی گفت: به بانک مرکزی و وزارت اقتصاد درباره عدم ساماندهی وام‌های بانکی تذکر داده‌ایم و انتظار داریم برنامه‌ای جامع و دقیق برای نظارت بر عملکرد بانک‌ها در این زمینه تدوین شود. اگر قرار است سیاست‌های حمایتی از جوانان، مانند افزایش جمعیت و توسعه ازدواج دنبال شود، حداقل باید وام‌های مسکن و ازدواج به‌صورت مناسب و به‌موقع پرداخت شود.

او افزود: وضعیت فعلی بانک‌ها در پرداخت وام‌های مسکن و ازدواج نه‌تنها بر زندگی جوانان تأثیر منفی گذاشته، بلکه باعث شده بسیاری از افراد کم‌درآمد نیز نتوانند از امکانات ابتدایی زندگی برخوردار شوند. مجلس شورای اسلامی به‌طور جدی پیگیر مشکلات وام‌های بانکی خواهد بود و از بانک مرکزی انتظار دارد نظارت دقیق‌تری بر عملکرد بانک‌ها در این حوزه داشته باشد تا حداقل نیازهای ابتدایی مردم و جوانان تأمین شود.

قشر فراموش‌شده

اینکه تسهیلاتی برای رفع مشکلات مردم در نظر گرفته شده، در جای خود امری پسندیده است، اما صحبت‌های صوفی یک جایی هم موضوعی تلخ را نشان می‌دهد؛ آنجا که او از ناتوانی وام‌گیرندگان در پرداخت اقساط ۱۲ میلیون تومانی به دلیل شرایط تورمی کشور سخن گفت. این نماینده مجلس تأکید کرد که دولت باید تدبیری بیندیشد تا اقساط وام مسکن به میزانی کاهش یابد که برای متقاضیان واقعی قابل پرداخت باشد و درعین‌حال، دست واسطه‌گران و دلالان از بازار مسکن کوتاه شود. مطابق با مصوبه شورای پول و اعتبار، درصورتی‌که افزایش سرمایه بانک مسکن تا سقف صد هزار میلیارد تومان انجام شود، امکان پرداخت وام ۸۰۰ میلیونی مسکن با اقساط ماهانه ۱۲میلیون‌و ۳۵۰ هزار تومان در دوره ۲۰ساله فراهم خواهد بود. درعین‌حال، در صورت تحقق وعده‌های دولت مبنی بر کاهش نرخ سود و تسهیل بازپرداخت، انتظار می‌رود اقساط ماهانه به زیر این مقدار برسد و این امر می‌تواند کمک شایانی به توان مالی متقاضیان واقعی برای تأمین مسکن کند. مسئله در این خبر چیست؟ بسیار ساده است. به نظر می‌رسد اساسا مسئولان و کسانی که در نظامات مالی و اقتصادی برنامه‌می‌ریزند هیچ توجهی به واقعیت‌های زندگی ندارند. درحال‌حاضر با توجه به مصوبه شورای عالی کار برای افراد حدود ۹ میلیون تومان (با حذف قسمت جزئی آن) به عنوان دریافتی در نظر گرفته شده است و اقساط وام مسکن ۱۲میلیون‌و ۳۵۰ هزار تومان است یعنی حدود سه میلیون تومان بیشتر از دریافتی حداقل‌بگیران. این یعنی اینکه اگر این گروه اقدام به اخذ وام مسکن کنند و با فروش طلا و... یک واحد مسکونی بخرند، باید برای گذران زندگی فتوسنتز کنند! و بخش تلخ ماجرا اینجاست که نشان می‌دهد تصمیم‌گیران عملا این بخش از جامعه را از حیطه برنامه‌ریزی خارج کرده‌اند.

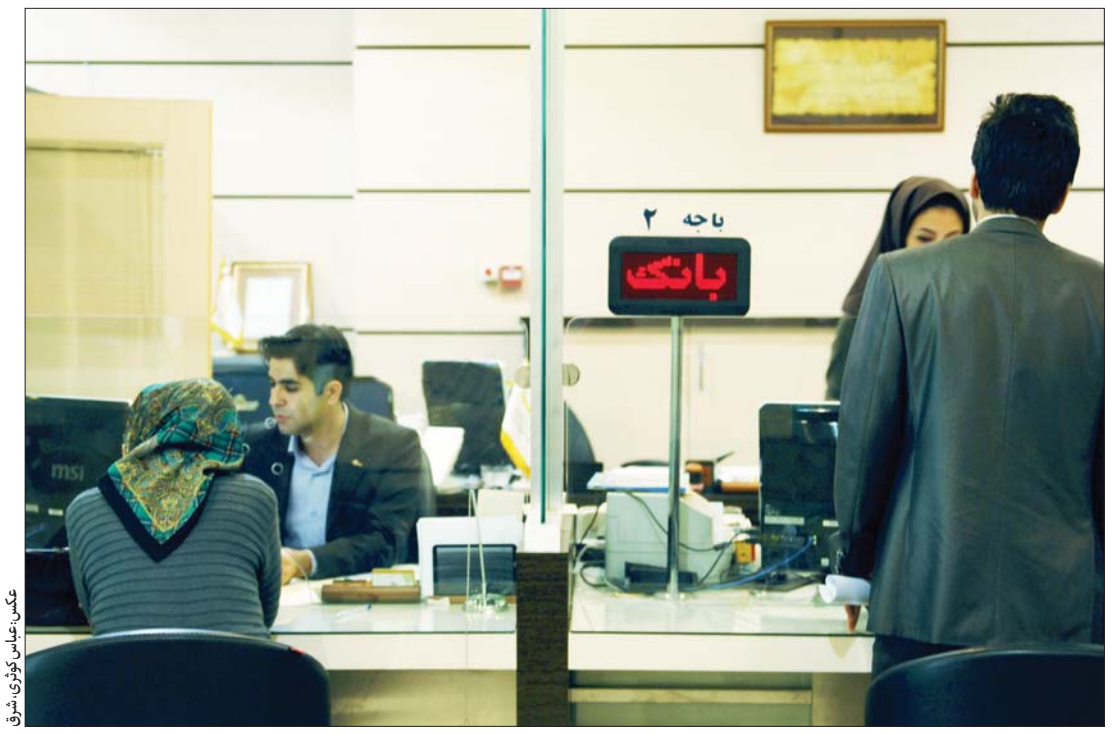

عکس: عباس کوثری، شرق

روایتی از گیروگرفت زندگی مردم و زیر پوست خیابان

سرگردنه بانک‌ها

حمیدرضاعظیمی

شهر دارد به خودش می‌پیچد؛ سپیده که می‌زند، گویی خون در شریان‌هایش به جریان می‌افتد و تپش قلب می‌گیرد. وسط بازار روز از همان سپیده‌دم، صدای زندگی درآمده و حالا این موقع شب، با زنگ‌های مدام تلفن‌های همراه، در هم آمیخته است. «کوچه‌ها باریکن» اما دکان‌ها از همان سر صبح باز شده‌اند و تا پاسی از شب در جنب‌وجوش‌اند، تا اهالی‌اش (مثل دیگر شهروندان) هرکدام نانی به کف آرند تا اگر بخت یارشان باشد و زیر بار بد زمانه، کمر خم نکرده باشند، نان را به غفلت نخورند.

کوچه و خیابان پر است از آدم؛ هرکدام از سویی می‌آیند و به سویی می‌روند. بازار مشاغل خیابانی هم پررفت‌وآمد است. اینکه به اندازه خرج روزانه دشت می‌کنند یا نه، آن حرف دیگری است. صدای دست‌فروشی در خیابان پیچیده و بوی نان تازه از نانوایی آن سوی خیابان هم به مشام می‌رسد. مردم در کوچه و خیابان با هزار امید و آرزو، بخشی از مسیر زندگی را پیش می‌گیرند و در این میانه، گاه در کنار تمام آن مغازه‌ها و مراکز تجاری پرزرق‌وبرق، سر از باجه‌های شلوغ بانک درمی‌آورند؛ جایی که گمان‌شان این است که شاید بشود گرهی از کار فروبسته زندگی‌شان باز کند و در میان شامی تار، کورسویی از امید پیش چشم‌شان بگشاید. بانک از نظر بسیاری از مردم آخر مسیری تاریک است که قاعدتا باید به روشنی امید منتهی شود. تصویری که گاه با تصوری که از آن داشته‌اند، هماهنگ نیست.

تصویر و تصور

بانک یک ویژگی دارد؛ اینکه محل دپوی پول است و شهروندان با هر سطح سواد و برداشت از امور اقتصادی و مالی یا با هر سطح برداشت از موضوعاتی مانند خطوط اعتباری و فاینانس و... این تصور را به درستی دارند که می‌شود هنگام نیاز به تأمین مالی (در هر سطحی) از تسهیلات ارائه‌شده در بانک‌ها استفاده کرد. از قضا وعده‌های بانک‌ها هم همین است. کافی است به تبلیغات بانکی نگاهی بیندازید؛ پر از طمطراق است و اینکه چطور قرار است مشکلات شهروندان با مدل‌های مختلفی (که قرار است پیش پای شما قرار گیرد) حل شود. یکی می‌گوید اگر سپرده را پنج سال بگذارید، بعد از آن با ضریب فلان به شما وام تعلق می‌گیرد و دیگری این پیامک را برای شما ارسال می‌کند که اگر شش ماه فلان مقدار پول در بانک سپرده‌گذاری کنید، دو برابرش را به عنوان تسهیلات در اختیار شما قرار می‌دهد. این مدل‌ها بسیار زیاد است و گویا هر روز هم یک مدل جدید برای حل مشکل و معضلات مردم در بانک‌ها راه‌اندازی می‌شود. همین است که وقتی شهروندان جایی گیر می‌کنند (نه در این کشور که در تمام دنیا) با امیدواری کامل خود را به راهی می‌رسانند که به سوی یکی از بانک‌ها منتهی می‌شود؛ جایی که پیش‌تر وعده‌های شیرین حل معضلات را به شیوه‌های مختلف از آنها شنیده‌اند و حالا که چالش‌های بی‌پایان اقتصادی نفس آنها را تنگ کرده و گاه به شماره انداخته است، به عنوان تنها امید، راهی شعب این مراکز مالی و پولی می‌شوند.

همین چند لحظه پیش که جدول فراز و فرود قیمت دلار دوباره به‌روز شد، نسبت به روز قبل و حتی چند ساعت قبل‌تر، قیمت افزایش یافته و معلوم نیست قیمت این متاع تا پایان نوشتن این مطلب ثابت بماند یا نه، اما هرچه هست، این روزها اقتصاد پر از تلاطم است، به‌ویژه اینکه چند روز در گیروگرفت این بودیم تا ببینیم هریس به کاخ سفید می‌رود یا ترامپ و حالا که معلوم شده آقای ترامپ دوباره به اتاق بیضی‌شکل کاخ سفید خواهد رفت، برخی از پارامترهای اقتصادی ازجمله قیمت دلار، طلا و نفت که کم‌وبیش بر زندگی شهروندان ایرانی تأثیر دارند، دچار نوسان شده است. همین مسئله همیشه بر این تأکید داشته و دارد که اوضاع اقتصاد ما چندان بسامان نیست و از قضا «بیدی است که با این بادها» هر روز دارد از این رو به آن رو می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که وقتی قیمت‌ها مثل یک موج دائم بر فراز است و هیچ‌وقت هم فرود نمی‌آید، بسیاری از شهروندان دنبال راهی برای تأمین نیازهای مالی خود باشند. تأمین مالی برای خریدهای کوچک یا خریدهای اساسی مانند خانه‌ای کوچک که قرار است آغاز یک زندگی جدید را در خود به جشن بنشیند و همیشه برای این گروه از شهروندان این سؤال وجود دارد که «چگونه می‌توانیم وام بگیریم؟».

این سؤال هرچند سؤالی است که بسیاری از ما حتی در زندگی روزمره (منهای مباحث اساسی) در مواردی بسیار معمولی هم پی پاسخ آن گشته‌ایم، اما وقتی پس از شنیده‌ها و تصوراتی که از این حلال مشکلات برای خودمان ایجاد کرده‌ایم، وارد فاز اجرائی وام و تسهیلات می‌شویم، تصاویری را به چشم می‌بینیم که با آن تصورات از زمین تا آسمان متفاوت است.

در میدان منیریه با یکی از همین آدم‌ها که از بانک بیرون آمده بود و گویا تصوری خاص برای خودش از بانک ایجاد کرده بود، هم‌کلام شدم؛ می‌گفت: بانک‌ها را که از دور می‌بینید، با آرم‌های آشنا و وعده‌های دلگرم‌کننده‌شان به ذهن می‌آیند و برای هرکدام از ما به عنوان نجات‌دهندگان مالی شناخته می‌شوند. در لابه‌لای بروشورهای رنگارنگ و مشاوره‌های دوستانه و پیامک‌هایی هم که می‌دهند، چهره قهرمانی را دارند که قرار است ما را نجات دهند، اما در لایه پنهان همه این موارد، حقیقتی تلخ نهفته است.

خودش را بابک معرفی کرد. بابک مسعودی انگار از اوضاع و احوال خسته شده بود، می‌گفت: گرفتن وام، فرایند پیچیده‌ای است. یک وانت مدارک می‌خواهند با هزار شرایط که هر روز هم بیشتر می‌شود. انگار قرار است آپولو هوا کنیم. تازه کلی برای آوردن مدارک و... باید وقت بگذاریم که باید بیاییم و ساعت‌ها رفت‌وآمد کنیم تا آقایان و خانم‌ها متقاعد شوند که می‌شود به ما وام دهند و ما هم آن را به زخم زندگی بزنیم و مثلا کسب‌وکارمان را از این وضعیت نجات دهیم. یکی دیگر از مشتریان بانک «طاهره» نام دارد، مادر دو فرزند است و خیلی هم نگران. چهره‌اش تمام استرس و فشاری را که دارد تحمل می‌کند، به نمایش گذاشته است. از شعبه بانک که خارج شد، سراغش رفتم و از دلیل آمدنش به این شعبه پرسیدم. می‌گفت: من ماشینی دارم که به خرج افتاده است. راستش دارم خرج زندگی‌ام را با همین ماشین درمی‌آورم، اما حالا به جایی رسیده‌ام که باید عوضش کنم. حالا آمده‌ام به این شعبه تا ببینم چه کار می‌شود کرد. امیدوار بودم بتوانم برای تعویض ماشینم با فروش آن و گرفتن وام، این شرایط سخت را پشت سر بگذارم، اما سودی که قرار است بگیرند و شرایطی که می‌گویند همه چیز را خراب کرده است و حالا هم نمی‌دانم باید چه کنم.

طاهره از این حرف می‌زد که من اصلا پولی ندارم که بخواهم شش ماه سپرده‌گذاری و صبر کنم که ۲۵۰ میلیون تومانم این همه مدت در بانک بماند تا بعدش اینها ۵۰۰ میلیون تومان به من با آن شرایطی که می‌گویند و آن سود، وام بدهند. من امروز به پول نیاز دارم و باور کنید اگر کسی را داشتم که به من قرض بدهد، اصلا سراغ بانک نمی‌آمدم. قرض می‌گرفتم، کار می‌کردم و بعد هم سر موعد پول را پس می‌دادم و دیگر نیاز به این‌همه قشون‌کشی به بانک نداشت.

مشکلات وام‌گرفتن از بانک‌های ایرانی یکی، دو تا نیست؛ هرکدام به فراخور حال و اوضاع‌شان در پیچ‌وخم اخذ وام‌های بانکی مانده‌اند. علیرضای جوان یکی از اینهاست. ۲۵، یا ۲۶ سال دارد و دانشگاه و خدمت را که تمام کرده با ایده‌ای به قول خودش نو، به راهنمایی یکی از بزرگ‌ترهایش، راهی بانک شده و با این گمان که می‌تواند با قراردادن یک طرح جذاب روی میز رئیس بانک از آنها وام بگیرد و کسب‌وکار خودش را راه‌اندازی کند، به اینجا آمده است اما گویا به در بسته خورده است (اینکه چرا به پارک‌های علم و فناوری مراجعه نکرده و به مراکز دولتی که وام‌های تبصره‌ای می‌دهند نرفته، داستانی طولانی دارد که خودش موضوع یک گزارش است). حالا علیرضا می‌داند که صرف داشتن یک طرح جذاب اهمیت ندارد، بلکه به قول خودش «بانک‌ها تنها به وثیقه‌ها نگاه می‌کنند، ایده من اصلا برایشان مهم نبود. آنها حرف‌شان این است که ضامن معتبر و وثیقه برای وام داری یا نه؟». علیرضا باید شانس بیاورد که یک وثیقه مناسب برای گرفتن وام پیدا کند، در غیر این صورت مطابق چند تجربه‌ای که نگارنده این سطور با آن مواجه بوده، هیچ بعید نیست کسی پیدا شود و طرح را بی‌آنکه روح علیرضا هم از ماجرا خبردار شود، اجرا کند.

سرگردنه بانک

بانک‌ها در ایران موجودیتی عجیب دارند. هنوز جمله معروف رهبری که سال ۹۷ در دیدار با رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت فرمودند، از یاد نرفته است. آنجا که درباره مشاهده ملکی از املاک یکی از بانک‌ها به اعضای هیئت دولت گفتند و تأکیدشان این بود: «بانک‌ها غلط می‌کنند با پول مردم بنگاه‌داری می‌کنند». از آن روز به بعد این تصور بود که دیگر بانک‌ها در برخی از حوزه‌ها ورود نخواهند کرد. اما گویا موضوع آن‌طور که شاهدان و ناظران گمان می‌کردند، پیش نرفت. حتی تصویری در فضای مجازی از سخنان رئیس مجلس دست به دست شد که درباره ربوی‌بودن نظام بانکی با توجه به میزان سودی که دریافت می‌کنند، مطرح شد اما چندی بعد آن صحبت کاملا تغییر کرد و قالیباف بر این موضوع تأکید کرد که تمام قراردادهای بانکی در ایران با توجه به وجود شورای فقهی، منطبق بر احکام اسلامی است؛ موضوعی که نقدهایی جدی را حتی در میان روحانیت برانگیخت.

محک این موضوع چندان سخت نیست. کافی است به سایت بانک... مراجعه کنید. بانکی که تسهیلات خرید کالا ارائه می‌دهد و خودش هم بخش فروش اینترنتی راه انداخته تا مثلا گرهی از کار مردم بگشاید. در این سایت وقتی قرار است میزان وام را انتخاب کنید، در سمت راست میزان وام و مدت بازپرداخت را انتخاب می‌کنید و در سمت چپ، میزان قسط، مابه‌التفاوت خرید نقدی و قسطی (کارمزد) و در نهایت اعتبار کیف پول‌تان را نمایش می‌دهد. مثلا اگر قرار باشد ۲۰۰ میلیون تومان با بازپرداخت دوساله اخذ کنید، باید ۱۰ میلیون و ۴۷۴ هزار و ۶۶۱ تومان را در هر ماه به مدت دو سال بپردازید (جمع تمام قسط‌ها ۲۵۱ میلیون و ۳۹۱ هزار و ۸۶۴ تومان) در این صورت شما به اندازه ۱۷۰ میلیون تومان اعتبار در کیف پول‌تان خواهید گرفت؛ یعنی همان آغاز ۳۰ میلیون تومان با عنوان مابه‌التفاوت خرید نقدی و قسطی (کارمزد) از شما کسر می‌شود. در این مرحله شما باید ۲۸۱ میلیون و ۳۹۱ هزار و ۸۶۴ تومان برای اخذ ۲۰۰ میلیون وام بپردازید؛ یعنی حدود ۸۱.۵ میلیون تومان سود. اما این گردنه اینجا تمام نمی‌شود. تازه شما برای خرید فقط از یک سایت می‌توانید خرید کنید که آنجا هم کالایی که می‌خواهید بخرید، از خرید نقدی بازار و حتی از سایت‌های مشابه گران‌تر است. یزدان رسولی این مسیر را چندی پیش برای خرید یک دستگاه موبایل آیفون ۱۳، با قیمت ۳۹میلیون‌و ۵۰۰ هزار تومان، طی کرده است. او می‌گفت: روزی که می‌خواستم گوشی بخرم، قیمت ۳۹میلیون‌و ۵۰۰ هزار تومان بود و روزی که پس از طی هزار مرحله اعم از اعتبارسنجی و... می‌توانستم در سایت خرید کنم، قیمت گوشی به ۵۴ میلیون تومان رسید.

یزدان می‌گفت: جالب این است که اگر من پول نقد داشتم، در همان روز که وام به من تعلق گرفت، می‌توانستم گوشی را به قیمت ۴۹ میلیون تومان بخرم؛ یعنی علاوه بر اینکه سود وام را از من می‌گیرند، کالایی که به من می‌فروشند هم از بازار گران‌تر است یعنی بانک محترم چند بار از من سود می‌گیرد.

یزدان که عصبانی هم شده بود، می‌گفت: شما ممکن است بگویید من کار غیرضروری انجام داده‌ام اما من هم دوست داشتم مثل بقیه یک گوشی به‌روز دستم باشد و اگر می‌داشتم اصلا این مسیر را نمی‌رفتم. اما سؤال من این است اگر کسی باشد که بخواهد برای جهیزیه دخترش خرید کند، او هم باید همین‌قدر مورد سوءاستفاده قرار بگیرد؟ موضوع وام و تسهیلات بانکی که قرار است باری از دوش مردم بردارد، با این شیوه، خودش به باری تبدیل شده که هزینه خانواده‌ها را به‌جد افزایش می‌دهد. تسهیلات در دنیا امری مرسوم است اما به نظر در این مُلک تسهیلات خودش به دشواریات تبدیل شده است.

گرفتن وام، فرایند پیچیده‌ای است. یک وانت مدارک می‌خواهند با هزار شرایط که هر روز هم بیشتر می‌شود. انگار قرار است آپولو هوا کنیم. تازه کلی برای آوردن مدارک و... باید وقت بگذاریم که باید بیاییم و ساعت‌ها رفت‌وآمد کنیم تا آقایان و خانم‌ها متقاعد شوند که می‌شود به ما وام دهند و ما هم آن را به زخم زندگی بزنیم و مثلا کسب‌وکارمان را از این وضعیت نجات دهیم

روزنه

ایجاد تشکل‌های کارگری و مانعی به نام کارفرمایان

فقدان تشکل‌های کارگری از مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های واحدهای متوسط و بزرگ تولیدی و خدماتی برای کارگران محسوب می‌شود. انبوه مشکلات روابط کار، مزد و رفاهیات، طبقه‌بندی مشاغل، ایمنی، سختی و زیان‌آوری و مشکلات تولیدی که کارگران به شکل روزمره با آن دست به گریبان هستند، همگی از مسائلی هستند که کارگران برای مواجهه با آنها در محیط کار پیش از همه با ابزار تشکل، سراغ مواجهه با این چالش‌ها می‌روند. مجتبی زارعی، رئیس هیئت‌مدیره کانون شوراهای اسلامی کار خراسان رضوی، در این زمینه می‌گوید: در بسیاری از استان‌های شرق کشور به‌ویژه در خراسان رضوی، ایجاد تشکل‌های کارگری و نوع مواجهه با مطالبه تشکیل و تداوم کار آنان دچار مشکل است. برای مثال در قانون آمده که واحدهای بالای ۳۵ نفره حق برخورداری از تشکل شورای اسلامی کار را دارند. اما در خراسان رضوی تازه در سال گذشته یک واحد بزرگ چندصد نفره به نام ایران‌خودروی خراسان، پس از بیش از ۱۰ سال دوندگی و تلاش دارای یک شورای اسلامی کار شد! او افزود: ما بیش از ۶۰۰ واحد تولیدی بزرگ در شهرستان مشهد داریم که بخش چشمگیری از آنها فاقد تشکل کارگری شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی کارگری هستند. علت اصلی ضعف مناطق شرق کشور به‌ویژه سه استان خراسان جنوبی، رضوی و شمالی، در مسیر حق ایجاد تشکل‌های کارگری قانونی، مقاومت کارفرمایان است. زارعی تأکید کرد: در دهه‌های گذشته و شاید بیش از ۱۵ سال پیش که شوراهای اسلامی کار شهرهای خراسان رضوی متشکل از کارگران دائمی بودند، به دلایل مختلف تنش‌های صنفی و کارگری زیادی در برخی واحدها رخ داد. در برخی موارد کار به بستن جاده‌ها و اعتراضات درون‌شهری هم می‌رسید و این موضوع فشار درخور توجهی به برخی کارفرمایان وارد کرد. در مقابل با ایجاد این ترس در جامعه کارفرمایی، این بهانه ایجاد شد که برخی بگویند تشکل‌های کارگری موجب شلوغی و هرج‌ومرج در روند توسعه و تولید می‌شوند. این فعال کارگری ادامه داد: ازآنجاکه شورای اسلامی کار یک زمینه و سازوکار قانونی دارد و کمیسیون ماده ۲۲ باعث می‌شود که اعضای شورای عالی کار به این راحتی اخراج نشوند، بنابراین سازوکاری قوی‌تر از نماینده کارگر و اعضای مجمع نمایندگان دارد؛ زیرا نمایندگان کارگری عمدتا می‌توانند با نفوذ کارفرمایان انتخاب و گاه خود از مهندسان و مسئولان میانی بوده و به دلیل نگاه غیرکارگری فورا قابل تهدید و تطمیع از سوی کارفرما هستند. اما ساختارهایی مثل شورای اسلامی کار به دلیل پشتیبانی کارگری و سلسله‌مراتب ملی و منطقه‌ای آن چنین شرایطی را ندارند. رئیس هیئت‌مدیره کانون شوراهای اسلامی کار با اشاره به مشکلات حقوقی و قانونی اساسنامه‌ها و قوانین انتخاباتی و تشکیل شوراها گفت: افراد در شوراهای اسلامی کار تا زمانی که به توانایی کار صنفی و شناخت تشکیلات می‌رسند، با مقاومت کارفرما یا به کار ادامه نمی‌دهند یا با همان مقاومت مدیران شرکت‌ها دیگر نمی‌توانند شورا را تشکیل دهند. این باعث می‌شود برخی واحدها به سمت نمایندگان کارگری بروند و یک نفر نماینده کارگری که نهایتا یک نفر علی‌البدل دارد، هیچ قدرتی ندارد. او تصریح کرد: باوجوداین شوراهای اسلامی کار بسیار قوی هستند. برای مثال کمیسیون استانداری که با حضور معاون سیاسی و امنیتی استاندار تشکیل می‌شود، دست‌کم در استان خراسان رضوی متشکل از یک عضو نماینده شوراهای اسلامی کار است. هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف در ادارات کار از سوی شوراهای اسلامی کار خراسان رضوی تعیین می‌شود و در قانون کار نیز چنین موضوعی گنجانده شده است، اما همین قدرت موجبات مقاومت کارفرمایان در مقابل تشکل‌های کارگری و ازجمله شوراهای اسلامی کار شده است. زارعی خاطرنشان کرد: این مقاومت در برابر شوراهای اسلامی کار در مناطقی مثل خراسان رضوی محدود به شرکت‌های خصوصی نیست، بلکه مجموعه‌های دولتی نیز مقاومت می‌کنند. برای مثال شرکت اتوبوس‌رانی مشهد هنوز در برابر شکل‌گیری شورای اسلامی کار این مجموعه از خود مقاومت نشان می‌دهد. این فعال کارگری تأکید کرد: با وجود اینکه مدیران استانی ادارات کار تا حدی برای شکل‌گیری تشکل‌ها طبق وظیفه قانونی خود همکاری می‌کنند، اما مقاومت مدیران دولتی و بخش خصوصی در برابر تشکل‌ها، معضلی است که باید از سوی مدیران رده بالاتر و وزرا و در سطح حقوقی و قانونی به‌عنوان یک مانع در برابر تشکل‌های کارگری رفع شود.